



انگیزه قاتل الهه سرقت نبود

بهمن فرزانه، متهم به قتل الهه حسین‌نژاد، دیروز گفته است که انگیزه‌اش از قتل این زن ۲۴ ساله، سرقت نبوده است. خبرگزاری‌های فارس و تسنیم گزارش داده‌اند که در پی بررسی‌های اخیر پرونده قتل الهه حسین‌نژاد، اعتراضات متهم با تناقض‌های جدی روبه‌رو شده است. او که پیش‌تر انگیزه خود از این جنایت را سرقت عنوان کرده بود، اخیراً در اظهارات جدید خود از این ادعا عدول کرده است. بررسی‌هانشان می‌دهد، طلاهای مقتول به‌سرت زفته‌واین‌موضوع، فرضیه‌سرت‌را‌بات‌دیدمواجه‌ساخته است.
باین‌حال به‌دلیل‌ناپایداری در‌اعترا‌فات‌متهم، نمی‌توان به‌صورت‌قطعی به‌اظه‌ارات‌فع‌لی‌اواستناد‌کرد. تسنیم در این باره نوشته است: «بررسی‌هانشان می‌دهد، طلاهای مقتول به سرقت زفته‌و این‌موضوع، فرضیه سرت‌را‌بات‌دیدمواجه‌کرده است.»
دیروز‌اعتم‌اد‌آ‌ن‌ال‌این‌هم‌گفت‌و‌گویی با‌متهم به‌قتل الهه حسین‌نژاد منتشر کرد. این‌سای‌ت‌دیروز در این باره نوشت: «هرچند در ابتدا گفته شده بود، الهه‌روی‌ص‌ند‌لی‌عقب‌نشسته‌بود و ضریات به‌قل‌ب‌اش‌بر‌خ‌ورد‌کرد، اما‌بهمن در‌گفت‌و‌گویی که‌روز‌گذشته با‌خبرنگار‌ان انجام‌داد، گفت که الهه‌روی‌ص‌ند‌لی‌جلو‌نشسته‌بوده و ضریات‌را‌روی‌ص‌ند‌لی‌جلو بر‌بدن‌ا‌و‌وارد‌کرده است.»
بهمن‌فرزانه در این‌گفت‌و‌گو گفته است: «من از‌دارال‌سلام اسلام‌شهر با‌ایلیک‌یشن اس‌نپ، مسافری‌سوار‌ماشین‌کردم و به‌ته‌ران‌آمد‌م. او را‌در‌میدان‌آزادی‌پیاده‌کرد‌م‌و‌در‌همان‌میدان‌آزادی منتظر‌مسافر‌ش‌دم. وقتی‌اله‌سوار‌شد، من ۲۰ دقیقه‌ای ایستاده‌بود‌م‌تا‌باز‌هم‌از‌اس‌نپ‌مسافر‌بگیر‌م. الهه‌اول‌ص‌ند‌لی‌عقب‌نشسته‌بود. او‌گفت، پرویم‌و‌بعد‌آمد روی‌ص‌ند‌لی‌جلو‌نشست. بعد‌با‌تلف‌ن‌بل‌ند‌بل‌ند‌صحبت می‌کرد و از‌دوستانش و زندگی‌خصوصی‌اش می‌گفت. بعد‌که‌تلف‌ن‌را‌قطع‌کرد، سر‌صحبت‌را‌با‌من‌باز‌کرد. وقتی‌حرف‌هایش‌را‌شنید‌م، گفتم‌چرا‌درباره‌زندگی‌ات صحبت‌می‌کنی‌و‌ای‌سن‌حرف‌ها‌را‌به‌همه‌می‌گویی؟ می‌خواست‌م‌نصیحت‌اش‌کن‌م. باتوجه‌به‌اختلاف‌هایی که‌با‌زن‌م‌داشت‌م‌و‌حرف‌هایی که‌پشت‌سر‌ش‌شنیده‌بود‌م، با‌اله‌هم‌درگیر‌ش‌دم. الهه‌می‌گفت، تواف‌س‌رده‌ای‌و‌زندگی‌این‌طوری‌نیست. او‌من‌را‌تحقیر‌می‌کرد. الهه‌روی‌ص‌ند‌لی‌جلو‌بود. بعد‌از‌اینکه‌جاق‌و‌را‌زد‌م، جس‌د‌را‌در‌فش‌اف‌وبه‌اند‌اخت‌م‌و‌تلف‌ن‌را‌هم‌اند‌اخت‌م‌آن‌جا. دومین‌گوشی، کف‌ماشین‌افتاده‌بود. قبلاً‌هم‌پیش‌آم‌ده‌بود که‌مسافر‌چیزی‌در‌ماشین‌جامی‌گذاشت. من‌آن‌را‌به‌اس‌نپ‌می‌داد‌م. گوشی‌را‌برداشتم‌و‌ف‌کر‌کرد‌م‌گوشی‌دوم‌مال‌مسافر‌ف‌دم. نگه‌داشته‌بود‌م‌که‌با‌من‌تماس‌بگیر‌ند‌و‌پس‌بده‌م. بعد‌از‌چند‌روز‌که‌عکس‌های‌اله‌منتشر‌شد‌و‌فهمید‌م‌دختری‌که‌سوار‌کرده‌و‌کشته‌ام، همان‌دختری‌است‌که‌دنیا‌الش‌می‌گرد‌ند، ترسید‌م‌و‌گوشی‌آیف‌ون‌را‌به‌چاه‌توال‌ت‌اند‌اخت‌م.»

دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۴

در بسیاری از کشورها انجام شد و ما ادامه‌دهنده راه زنان مقاوم و مبارزی بودیم که در طول تاریخ با رژلب قرمز، مبارزه برای زنان را ادامه دادند. ممکن است که این کارزار برای همه اقشار جامعه افغانستان ملموس نباشد که قابل درک است،» او می‌گوید: «درست که نمی‌توانیم بگوییم یک حرکت نمادین، مبارزه‌ای عمیق است و می‌تواند تمام ابعاد مقاومت را پوشش دهد اما به‌واسطه همین کارزار اخیر روایت‌های بسیاری از داخل افغانستان نقل شدند که برای روشن کردن وضعیت زنان در مجامع بین‌المللی مهم است. به نظر من به‌جای تقابل در شیوه‌های مبارزه، ما باید برای هم‌افزایی و اتحاد بیشتر برای بهبود زندگی زنان افغان تلاش کنیم. چون دشمن ما یکی است؛ سیستم زن‌ستیز طالبان و بی‌تفاوتی جهان در مقابل این سیستم برای همه زنان ویرانگر است. مبارزه زنان افغان در هر دوره‌ای به‌شکلی نمایان شده و شعله‌های آن خاموش نشده است. پیروزی زمانی ممکن است که صدای زنان شنیده شود.»
ترنم می‌گوید، منتقدان را درک می‌کند اما هیچ حرکت نمادینی نمی‌تواند همه رنج‌های عمیقی را که زنان دچار آن هستند، بیان کند: «این کارزار هم قرار نبود جای مبارزات خیابانی را بگیرد، بلکه نشان‌دادن گوشه‌ای از مقاومت زنان بود تا زمینه‌ساز اقدامات بین‌المللی برای زنان افغانستان شود تا شاید مجامع بین‌المللی از خوابی که به آن فرورفته‌اند، بیدار شوند.»
تهمینه‌سالک، بنیان‌گذار کمپین «رژلب سرخ» اما معتقد است که بخشی از انتقاده‌ا نه از سرنگرانی واقعی، بلکه از دل نگاه‌های مردسالارانه می‌آیند: «نگاه‌هایی که حتی در دل جامعه‌ای در حال سرکوب، نمی‌توانند تحمل لب‌سرخ یک زن را داشته باشند؛ نه چون آن را بی‌اثر می‌دانند، بلکه چون از قدرت نمادین، زیباشناسانه و جسورانه‌اش می‌ترسند. برای بعضی‌ها زن ساکت، زن خاکستری، زن بی‌رنگ، راحت‌تر قابل تحمل است. اما لب‌سرخ یعنی زن دیده‌شده، زن زنده، زن حاضر و دقیقاً به همین دلیل است که این رنگ کوچک، این حرکت ساده، این کمپین جمعی، می‌تواند تا این حد مؤثر، سیاسی و ترسناک باشد.»
او می‌گوید، قدرت نمادها را نباید نادیده گرفت: «هر بار که کسی لب‌سرخ را می‌بیند، باید یاد زنان افغانستان بیفتد. این همان چیزی است که ما می‌خواهیم: بازگرداندن زنان افغانستان به دیده‌شدن، به یادآوری و به‌صحنه جهانی. تاریخ هم این را به ما نشان داده است: در جنبش حق رأی زنان در بریتانیا، رنگ بنفش و سفید نماد مقاومت بود. در دوران آپارتاید، رنگ‌ها و ترانه‌ها پیام اعتراض بودند. در جنبش زنان ایران، موهای بریده‌شده جهانی‌ترین نماد شد و در جنگ جهانی دوم، لب‌سرخ برای زنان نظامی نشانه‌ای از پایداری و حضور بود. کمپین رژ لب‌سرخ دقیقاً در همین سنت مقاومت قرار دارد.»
تهمینه معتقد است؛ باید در نظر داشت که این کمپین جدا از سایر فعالیت‌ها نیست: «ما فقط نمادسازی نمی‌کنیم، ما مستند می‌سازیم، با دادگاه بین‌المللی جزایی همکاری داریم، بانمایندگان سازمان ملل، پارلمان اروپا، نهادهای حقوق بشری و رسانه‌ها در تماسیم. ما مدارا را نه می‌دهیم، بیانه می‌نویسیم، جلسه می‌گذاریم، و شبکه‌سازی می‌کنیم. کمپین رژلب‌سرخ فقط یکی از ابزارهای ماست، ولی زبانی است که از دل همه آن کارهای حقوقی، دیپلماتیک و سازمانی، صدای عمومی خلق می‌کند. نکته مهم دیگر این است که این حرکت، با حضور و همکاری زنان افغانستان شکل گرفت. زنان معترض، زنان زندانی‌شده، هنرمندان، شاعرانی مثل لینا روزه، زنانی که آهنگ ساختند یا نقاشی فرستادند، همه بخشی از این کمپین‌اند. مادر برابر رژیم ایستاده‌ایم که نه تنها زنان را از جامعه حذف کرده، بلکه می‌خواهد تصویر، صدا و حتی حافظه آن‌ها را پاک کند. در چنین شرایطی، هر حرکت، هر تصویر، هر سرخ لب خودش یک سند تاریخی ست. ما شاید امروز نتیجه‌فوری نبینیم، اما این کمپین‌ها آینده را می‌سازند.»
زنان افغانستانی حالا تلاش می‌کنند حافظه‌ای نو برای جهان بسازند؛ انگیزه‌ای برای زنان و پلی میان سکوت و صدا، تاریکی و نور، مبارزه و امید.

از چندماه پیش بسیاری از زنان افغان به کارزاری با نام «رژلب سرخ» پیوسته‌اند تا به مقاومت‌شان هرچند نمادین ادامه دهند. زنان افغان تصاویر خود را با هشتگ #Redforafghanwomen

در پلتفرم‌های

اینستاگرام، فیسبوک

و شبکه X به اشتراک

گذاشتند که در آن‌ها

در حال زدن رژلب قرمز

روی لب‌های‌شان‌اند.

بعضی از آن‌ها شعر،

ویدئو و نوشته‌هایی

منتشر کردند و از

داستان‌ها و تجربیات

شخصی‌شان گفتند.

این کارزار مخالفانی

هم دارد که می‌گویند

این‌گونه کمپین‌ها کاری

برای زنان داخل

افغانستان از پیش

نمی‌برند و نمی‌توانند

نشان دهند و وضعیت

سخت زنان افغان

بلشد



هم‌سنگ نیست و آن را سطحی و بی‌اثر جلوه می‌دهد. برای نمونه، کاربری با نام «دیوه‌پتنگ» در پلتفرم X نوشته است: «واقعاً شکل این مبارزه چیست؟ اگر مسئله با رژلب حل می‌شود، من شخصاً آمادگی دارم ده‌ها عدد رژلب هدیه بدهم.»

یکی از فعالان حقوق زنان در داخل افغانستان که خواسته نام‌اش آورده نشود به «هم‌مپین» می‌گوید که چنین کارزارهایی بیش از آنکه واقعاً بر شرایط ساختاری و سیاسی تمرکز کنند، صرفاً به کنش‌های نمادین می‌پردازند که در فضای آنلاین پخش می‌شوند اما تأثیر عملی یا تغییر عینی در وضعیت زنان ندارند: «مقاومت با رژلب شاید توجه رسانه‌ای جلب کند، اما به‌خودی‌خود سیاست‌طالبان را تغییر نمی‌دهد و حتی ممکن است رنج زنان را تقلیل دهد به یک ژست تصویری.» او می‌گوید این کارزارها ناخواسته به تقویت استانداردهای مردسالارانه زیبایی دامن می‌زنند: «یعنی زن برای دیده‌شدن، اعتراض کردن یا حتی مقاومت‌کردن، باید زیبا، آراسته و «زنانه» (مطابق با هنجارهای زیبایی غربی یا سرمایه‌داری) باشد. بسیاری از زنانی که در افغانستان با جاهای دیگر تحت فشار شدید زندگی می‌کنند، حتی امکان خرید لوازم آرایشی را ندارند. در نتیجه این گونه کارزارها بیشتر صدای زنان طبقه متوسط یا مهاجر در غرب است تا بازتاب واقعی زنان درون جامعه سرکوب‌شده.»
به گفته این فعال حقوق زنان، این کارزارها ممکن است مبارزه سیاسی زنان را از عرصه جمعی و سازمان‌یافته خارج کرده و آن را به کنش‌های فردی و شخصی در شبکه‌های اجتماعی تقلیل دهند: «در چنین وضعی، مقاومت به چیزی شبیه خودبیانگری تبدیل می‌شود تا ماطالبه‌گری ساختاری.»

بعضی از فمینیست‌های پساستعماری هم این خطر را گوشزد می‌کنند که چنین کمپین‌هایی ممکن است ناخواسته تغذیه‌کننده کلیشه‌های شرق‌گرایانه (Orientalist) باشند. یعنی به‌جای فهم پیچیدگی‌های بافت محلی، یک تصویر جذاب و رمانتیک از «زن مظلوم شرقی با رژلب سرخ» به جهان عرضه شود. طبق نوشته‌های بعضی از فعالان حقوق زن افغان در شبکه‌های اجتماعی، آنها بر این باورند که استفاده از نمادهایی مانند رژلب سرخ ممکن است توجه رسانه‌ای جلب کند اما در واقعیت تغییر ملموسی در وضعیت زنان ایجاد نمی‌کند. آن‌ها معتقدند که اولویت زنان افغان آموزش، بهداشت و امنیت است، نه نمادگرایی ظاهری. بعضی مخالفان هم هشدار داده‌اند که انتشار تصاویر زنان با رژلب سرخ در شبکه‌های اجتماعی، آن‌ها را به هدف حملات سایبری یا فیزیکی تبدیل می‌کند. خانواده‌ها و گروه‌های سنتی در داخل افغانستان هم ممکن است فشار شدیدی بر دختران و زنان شرکت‌کننده وارد کنند.

تهمینه سالک، بنیان‌گذار کمپین «رژلب سرخ» اما می‌گوید این کمپین فقط یک حرکت دیجیتال نیست، یک حافظه بصری است: «این کمپین یک پرچم کوچک ولی پرمعناست که زنان افغانستان را به قلب مردم جهان گره می‌زند. من این نگرانی‌ها را درک می‌کنم. بسیاری از ما، از جمله خودم، سال‌هاست که در فضای پر از سرکوب، خشونت و ناامیدی مبارزه می‌کنیم. وقتی نتیجه‌فوری دیده نمی‌شود یا وضعیت هرروز بدتر می‌شود، شک و تردید طبیعی است. اما من معتقدم، در شرایطی که حتی یک کلمه گفتن جرم است، نمادها، تصاویر و حرکات کوچک می‌توانند بسیار قدرتمند باشند. وقتی فریاد زن ممکن نیست، گاهی فقط دیده‌شدن، خودش شکلی از اعتراض است.» او می‌گوید: «کمپین «رژلب سرخ» هیچ‌گاه ادعا نکرده که قرار است رژیم طالبان را در یک شب سرنگون کند یا سیاست جهانی را فوراً تغییر دهد اما هدفش این است که بگوید: زنان افغانستان هنوز اینجا‌یند، هنوز زنده‌اند، هنوز مقاومت می‌کنند، حتی اگر صدایشان شنیده نشود. در جامعه‌ای که زن بودن به‌خودی‌خود جرم شده، حتی یک لب سرخ هم می‌تواند نماد قدرت باشد. برای بسیاری از زنان افغانستان، این کمپین فقط یک حرکت نمادین نیست، بلکه راهی است برای بازپس‌گیری بخشی از هویت‌شان، برای گفتن این‌که: «من هنوز هستم.»»
تهمینه می‌گوید، این کمپین به زنان و مردم جهان یک ابزار ساده و قابل دسترسی داده که بتوانند همبستگی خود را با زنان افغانستان نشان دهند: «اما نباید قدرت چنین همبستگی‌هایی را دست‌کم بگیریم. وقتی زنی در افغانستان می‌بیند که زنی در فرانسه یا دانمارک رژلب سرخ زده و عکس‌اش را با پیام همبستگی منتشر کرده، حس می‌کند تنها نیست،»

ترنم سیدی، فعال حقوق زنان هم در جواب به انتقادها از این کمپین می‌گوید: «تقدیهایی به این کارزار وارد شد مبنی بر اینکه با وضعیتی که زنان در افغانستان دارند این کارها نمی‌تواند کمکی به زنان کند و مبارزه باید میدانی باشد. اما کارزار «رژلب سرخ» فقط یک مبارزه سطحی نبود؛ ما می‌دانیم که این حرکت در طول سال‌های متمادی

حقوق ابتدایی زنان، گرفته شد: «مثل ممنوعیت درس خواندن، ممنوعیت کار در نهادهای دولتی و غیردولتی، محدودیت‌های شدید بر پوشش و آزادی بیان، سفر کردن، حضور در فضاهای عمومی مثل پارک، باشگاه‌ها و آرایشگاه‌ها. خشونت‌های مبتنی بر جنسیت، ازدواج‌های اجباری، فقر شدید و خودکشی‌های زیاد در این چندسال اخیر شدت زیادی داشته است. طالبان عملاً آپارتاید جنسیتی را در افغانستان نهادینه و هرآنچه از ظلم و ستم بلندن، بر زنان افغان اعمال کرده‌اند.» او می‌گوید اما از همان ابتدای حکمرانی دوباره طالبان، مقاومت زنان افغانستان یک روشنی و امیدی بود که توانست برای همه مردم نویدبخش باشد: «زنان تسلیم نشدند و همچنان در مقابل طالبان ایستاده و مبارزه می‌کنند. زنان آگاهی که برای حقوق و دستاوردهای‌شان، بازداشت و شکنجه و شلاق را به جان خریده‌اند. طالبان با تجاوز و اعتراضات اجباری سعی می‌کند صدای این زنان را خاموش کند، اما آن‌ها باز هم صدای‌شان بلند است.»

▼ صدایی علیه سرکوب زنان

فریحی ۲۱ ساله ساکن مزارشریف افغانستان را، چشمان پراشک دختران مانده پشت دروازه‌های مکاتب، به پیوستن به کارزار «رژلب سرخ» کشانده؛ او می‌گوید با دیدن این دختران قلب‌اش شکسته است: «من وقتی می‌بینم که چطور مسا زنان را در خانه حبس می‌کنند و هرروز هویت‌مان را نادیده می‌گیرند، نفسم تنگ می‌شود. نمی‌خواهم فقط یک تماشاچی باشم و به‌خاطر همین نوشتن، صدا بلندکردن و پیوستن به کارزارهایی مانند کارزار «رژلب سرخ» برایم مثل نفس کشیدن شد؛ راه زنده‌ماندن با امید.»

فریحه می‌گوید او خودش از قربانیان روی کار آمدن دوباره طالبان است که با خشونت‌های مکرر از درس خواندن و کار کردن محروم شده: «بنابراین تنها راهی که برایم مانده، مبارزه علیه ظلم و استبداد است. بعضی از دوستان و نزدیکانم به‌صورت پنهانی به این کارزار پیوسته‌اند چون ترس واقعی است. خیلی‌ها هم درباره وضعیت زنان سکوت کرده‌اند؛ نه از سر بی‌تفاوتی بلکه از ترس جان و امنیت خانواده‌شان. بااین حال هر صدا و کلمه‌ای که از دهان ما زنان افغان بیرون می‌آید، کلمه‌ای از مقاومت است؛ چه در خیابان باشد، چه در پشت‌درهای بسته.»
فریحه می‌گوید، گرچه دیگر زنان افغانستان را در دانشگاه‌ها و ادارات نمی‌بینید اما بسیاری از آن‌ها در کابل، هرات، مزار ... و در حال ایستادگی‌اند و این مقاومت ساکت نمی‌شود: «زن افغان یاد گرفته که با قلب، با یک تصویر یا نام مستعار بجنگد. من معتقدم، مقاومت زنان افغانستان مهمترین شکل مقاومت زنانه در دنیای امروزی است. صدای زنان افغانستان خاموش شدنی نیست گرچه می‌خواهند که صدایمان را خاموش کنند. هر زنی که امروز زنده مانده خودش یک پرچم ایستادگی است. آینده از آن ماست چون برایش می‌جنگیم.»
ترنم سیدی، فعال حوزه زنان، از اولین افرادی بوده که در کارزار رژلب سرخ شرکت کرده است؛ او در کلیپی ویدئویی رژ سرخ می‌زند و آن را به دست زنان دیگر می‌رساند که آن‌ها هم همین کار را کنند. ترنم می‌گوید: «کارزار رژلب (لب‌سین) سرخ واکنشی نمادین از سوی زنان در تبعید بود تا مقاومت و جسارت زنان افغانستان را نشان دهد و نمادی از شهادت آن‌ها مقابل طالبان باشد. این کارزار می‌خواهد که صدای هویت خفه‌شده زنان باشد که به‌حاشیه‌انده‌شده‌اند. به‌واسطه این کارزار اعتراض مدنی زنانه‌ای شکل گرفت که توانست ناگفته‌های بسیاری را بیان کند، حتی بعضی از مردان هم به این کارزار پیوستند و رژ سرخ زدند.»
یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در این کارزار در دفاع از این کارزار در وبلاگش نوشته است: «این اعتراض تنها استفاده از لوازم آرایش نبود؛ بلکه فریادی خاموش اما پرشور در برابر یک نظام ستمگر بود. این لب‌های سرخ، نماد لب‌هایی بودند که اجازه سخن گفتن نیافتند. این حرکت، نمایانگر هویتی بود که مجبور به پنهان شدن پشت پرده شد.»

▼ پلی میان سکوت و صدا با فقط حرکتی نمادین؟

هر چند کمپین «رژلب سرخ» در افغانستان در سطح جهانی با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده بین‌المللی، زنان فعال در صنعت مد و سازمان‌های حقوق بشری به این حرکت ادای احترام کردند، اما بعضی از فعالان حوزه زنان و کاربران شبکه‌های اجتماعی از ای‌سن کارزار انتقاد کردند. آنها معتقد بودند که چنین اعتراضات نمادینی نمی‌توانند تغییرات واقعی ایجاد کنند و صرفاً به فضای مجازی محدود می‌مانند. بخش عمده‌ای از این انتقادات حاکی از این است که بهره‌گیری از ابزارهای آرایشی مانند رژلب برای بیان اعتراض، با عمق بحران و سرکوبی که زنان افغانستان با آن مواجه‌اند،



د لاندې د ژانګې د انتخابات د نېټې د پلټنې ادارې

جناب آقای باقرفاضل زاده فرزند حسین، پرستار رسمی شهرستان خرم‌آباد استان لرستان باتوجه به اینکه پرونده تخلفاتی شما به اتهام غیبت غیر موجه بیش از دوماه به‌صورت متوالی، در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی لرستان تحت بررسی می‌باشد و هیچ‌گونه آدرسی جهت ابلاغ اوراق اتهامی در دسترس این هیأت نمی‌باشد، لذا به شما ابلاغ می‌گردد ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ انتشار آگهی وفق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی، نسبت به حضور در هیأت فوق و ارائه دفاعیات کتبی و شفاهی خود اقدام نمائید؛ در غیر این‌صورت به اتهام شما به‌صورت غیابی رسیدگی خواهد شد.

هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی لرستان



شرکت ملی نفت ایران

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران (اسپاسر خاص)

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه خرید ۴ عدد کمپرسور پیچشی گاز و گازمایع به شماره (۱۳۰۴۰۹۲۶۶۰۰۰۰۰۰۰۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال ادعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ الی ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ می‌باشد.
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می‌باشد.
شرکت‌ها و موسسات دانش بنیان در مناقصات و عرضه کالا‌های دانش بنیان ساخت داخل دستگاه‌های اجرایی حائز اولویت می‌باشند و همچنین کالای پیشنهادی الزاماً می‌بایست از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) تأمین گردد.

▲ مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

▲ مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶

▲ اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزرا: آدرس: گچساران – فلکه الله- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران

▲ تلفن: ۰۸۹-۳۲۲۲۲۰۰۸۹ - ۰۷۴-۳۱۹۲۱۸۲۶

▲ مرکز تماس سامانه ستاد: ۰۲۱-۴۱۹۱۳۴

▲ دفتر ثبت نام سامانه ستاد: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

شناسه آگهی: ۱۹۴۴۵۵